

اما وقتی کنار شاهو بودم کنار این مردم ایستادم تمام خط و مرزها رو زیر رو می کردم کمی با گیلاسی که توی دستم بود بازی کردم و خواستم روی میز بذازمش اما اینکه شاهو فکر کنه من از خوردن یک گیلاس مشروب میتروسم باعث میشد که استرس و کنار بزارم گیلاس و کم کم مزه مزه کنم خیلی تمامش نوشیدم جام خالی روی میز گذاشتم لبخند روی صورت شاهو کش اومد دستشو دور شونه هام انداخت منو به خودش نزدیکتر کرد و گفت

_ بهترین کار و کردی دیگه مجبور نیستی احم کنم تا تو بخوای چیزی بخوری با یه حرفم گوش بدی

احساس میکردم تنم هر لحظه داره گرم تر میشه هوا داشت خیلی گرم میشد رو به شاهو گفتم

اینجا زیادی گرم نیست ؟

نگاه مشکوکی به من انداخت و با پوزخند گفت فکر نمی کنم تو داغ شدی وگرنه اینجا خیلی هم خوبه شروع کردم با دستم خودم رو باد زدن به شاهو گفتم

_ بهتره بریم طبقه بالا اونجا خنک تره قبل از شاهو راه افتادم دل و جرات پیدا کرده بودم چه مرگم شده بود ؟ من از پله ها که بالا می رفتم چرخیدم به شاهو که دست به جیب داشت آهسته پله ها رو بالا میومد نگاه کردم

هنوز اون پوزخند روی صورتش بود



کاربر گرامی جهت اطلاع از زمان پارت بعدی این رمان و دسترسی راحت تر به

پارت های جدید لطفا در کانال و پیج اینستاگرام ما عضو شوید :

جهت عضویت در کانال تلگرامی و اینستاگرامی ما روی عکس زیر کلیک کنید

(برای عضوین در کانال تلگرامی فیلتر شکن را روشن کنید سپس کلیک کنید)

عضویت در کانال تلگرامی رمان پلاس

اطلاع از زمان دقیق آپدیت ها / دسترسی سریعتر به پارت های جدید / اخبار سایت و..



عضویت در پیج اینستاگرام فایل استار

اطلاع از تیزر رمان های برتر / اخبار دنیای رمان / دسترسی به نویسنده رمان ها

